

<div><div>۲۸</div><div><div>تیر ۱۴۰۳</div></div></div>	سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۸۱
--	----------------------------

خبر

حدود ۲۰ درصد دانش آموزان دچار اختلال یادگیری هستند

ایسنا: دبیر ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی کشور با بیان اینکه اختلال یادگیری شیوع بالایی در کشور دارد، گفت: طبق آخرین آمار قریب ۲۰ درصد دانش‌آموزان کشور دچار اختلال یادگیری هستند. علوم و فناوری شناختی در حوزه چهار فناوری همگرا شناخته می‌شود.

چهار فناوری که در کنار هم آینده بشر را متحول می‌کنند. این حوزه در دو دهه اخیر در دنیا مورد توجه قرار گرفته است، در ایران با شناسایی زودهنگام این حوزه فناوری، هم‌زمان با دنیا در کشور فعال شده است. پیرو این جریان سه نسل فعالیت در کشور در حوزه علوم و فناوری شناختی شکل گرفت، گام اول معرفی علوم و فناوری شناختی، هویت‌بخشی و تبیین ضرورت توسعه علوم شناختی در کشور و جلب توجه دانشگاه‌ها و استادان برجسته تربیت نیروی انسانی و همچنین ایجاد زیرساخت‌های پژوهشی است. تمرکز بر حوزه‌هایی که ظرفیت بیشتری دارد، تیم‌سازی و جلب توجه سیاست‌گذاران، جهت‌دهی حمایت‌ها به سمت حوزه‌های اولویت‌گذاری‌شده و همچنین تکمیل زیرساخت‌ها، گام دوم در فعالیت‌های ستاد است. گام سوم ادامه و تعمیق فعالیت‌های پژوهشی، توسعه نیروی انسانی برجسته و تمرکز بر کاربردسازی شبکه‌سازی و توسعه اکوسیستم است. ۴۱۶ طرح پژوهشی در ۷۰ دانشگاه با تعداد هزار و ۵۰۰ پژوهشگر و هزار و ۴۸۲ تعداد مقاله و هزار و ۳۷۶ پایان‌نامه در مراکز علمی و فعالیت‌های پژوهشی تحت حمایت قرار گرفته است. اختلال یادگیری شیوع بالایی در کشور دارد؛ طبق آخرین آمار قریب ۲۰ درصد دانش‌آموزان کشور دچار اختلال یادگیری هستند و بخش قابل توجهی از این دانش‌آموزان در محدوده زیر هفت سال قابل شناسایی هستند و با مداخله زودهنگام این‌نرخ به طور معنی‌دار کاهش پیدا می‌کند. دانش‌آموزی که دچار اختلال یادگیری شود در سایر کارکردهای شناختی هم دچار اختلال می‌شود، بسیاری از افرادی که دچار جرم و بزه می‌شوند در زمان دانش‌آموزی دچار اختلالات شناختی بوده‌اند. مدیر کل آموزش و پرورش استان فارس نیز در این مراسم گفت: آموزش و پرورش یک مجموعه محصور در مدارس و ادارات نیست بلکه تجلی خلق یک باور و تیلور تجسم اراده است.

فرشید قاسمی ادامه داد: آموزش و پرورش به‌منابه خانواده‌های بزرگ که روزبه‌روز بزرگ‌تر و در عین حال شریف‌تر، شجاع‌تر و متفک‌تر می‌شود و با بهره‌گیری از وجود زنان و مردانی که دارای جوهره عشق، سخت‌کوشی، آگاهی و بردباری هستند، بر جهل می‌تازد. انسان‌هایی با باورهایی عالی موفقیت را برای خود و دیگران خلق می‌کنند. ایجاد یک باور مثبت و آینده‌ساز مبنی بر اینکه می‌توانیم مؤثر باشیم و عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنیم می‌تواند این زورق بی‌آب افتاده را در این راه نا‌هموار به مقصود نزدیک کند.

مدیر کل آموزش و پرورش استان فارس تصریح کرد: صداالبته راه رسیدن به این راه مطلوب، یاقنتی نیست بلکه ساختنی است و استان فارس در این مسیر گام‌های مؤثری برداشته است. تحولات آینده و آموزش در اکوسیستم‌های جدید به ما نشان داده است که راهی به جز ورود به مدارس شناختی نداریم. علوم شناختی از علوم میان‌رشته‌ای است که شامل رشته‌های روان‌شناسی، فلسفه ذهن، عصب‌شناسی، زبان‌شناسی و انسان‌شناسی می‌شود که هرکدام کاربرد مختلفی در زندگی افراد دارند. قاسمی با توجه به اهمیت این مدارس اظهار کرد: البته راه‌اندازی این مدارس از این جهت بااهمیت است که قوه شناخت دانش‌آموزان را پرورش می‌دهد و تقویت شناخت دانش‌آموزان از اصلی‌ترین ابزارهای مقابله با جنگ شناختی است. در پژوهشکده و مدارس شناختی اینکه چه چیز باید رشد کند و چگونه باید رشد کند به تجربه درمی‌آید. استان فارس با حدود ۹۴۵ هزار دانش‌آموز، ۶۵ هزار معلم، ۸۵ هزار دانش‌نشته ۸ هزار و ۲۰۰ مدرسه، یک استان پهناور است که قطعه می‌تواند جایگاه انجام پژوهش‌های نوین باشد. بدون شک معلمان مدارس فارس پژوهشگر، پژوهش‌خواه و پژوهش‌خوان هستند و از راه پژوهش راه‌های ساختن آینده را طی خواهند کرد. امیدواریم با ساخت این پژوهشگاه بتوانیم مسیری را که برای تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی در سند تحول پیش‌بینی کرده‌ایم با موفقیت طی کنیم.

لزوم توسعه مراکز علوم شناختی در کل استان فارس

معاون امور گردشگری و زیارتی استانداری فارس نیز در این مراسم گفت: این اقدام ارزشمند به همت ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی کشور، استانداری و اداره کل آموزش و پرورش فارس صورت گرفته است. محمد فرخ‌زاده با تاکید بر اینکه برخی از علوم را نمی‌توان از خارج کشور وارد کرد، گفت: برخی مسائل و تخصص‌ها مثل روان‌شناس، جامعه‌شناس و مردم‌شناس را نمی‌توان به کشور وارد کرد و علوم شناختی در زمره همین موارد است. امروزه سه عنصر دانش، مهارت و تجربه در کنار یکدیگر در دنیا باعث می‌شود تا معادلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دچار تغییر شوند.

وی تصریح کرد: دنیا در مسیر دانش در حال تلاش است. بررسی‌ها نشان می‌دهد ضروری است که ما نیز گام‌هایی در این راستا برداریم. معاون امور گردشگری و زیارتی استانداری فارس افزود: امکانات خوبی که در پژوهشکده علوم شناختی آموزش و پرورش فارس در شیراز قرار دارد باید به سایر قسمت‌های استان توسعه پیدا کند. فرخ‌زاده ادامه داد: این پژوهشگاه می‌تواند در ایجاد درآمدهای پایدار مؤثر باشد. بنابراین افتتاح و بهره‌برداری از پژوهشگاه علوم شناختی دستاورد ارزشمندی است و امیدوار هستیم استان فارس الگوی سایر استان‌ها در این زمینه باشد.

کمبود جهانی انسولین‌های قلمی

شرق: معاون برنامه‌ریزی اداره کل داروی سازمان غذا و دارو با اشاره به کمبود جهانی انسولین قلمی نوومیکس گفت: بخشی از انسولین‌های قلمی مورد نیاز بازار از مسیر واردات تأمین می‌شود.

ناصر هیراد اظهار کرد: انسولین نوومیکس تولیدی در کشور به دلیل کمبود جهانی، نصف مصرف ماه توسط شرکت نوونوردیسک تأمین می‌شود و میزان عرضه محصول از ۸۰۰ هزار عدد ماهانه به ۴۴۰ هزار عدد افت کرده، اما منجر به قطع عرضه نشده است.
بنابر اعلام سازمان غذا و دارو، وی با بیان اینکه در حال حاضر کمبود انسولین نوومیکس در استرالیا، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، هند، ترکیه و… با بحران مواجه شده است، افزود: سازمان غذا و دارو تلاش می‌کند از طریق واردات موازی، انسولین مورد نیاز بیماران را تأمین کند که اقدامات لازم را در این زمینه نیز انجام داده است و سعی می‌شود در کوتاه‌ترین زمان ممکن وارد کند.

معاون برنامه‌ریزی اداره کل داروی سازمان غذا و دارو خاطرنشان کرد: در حال حاضر درباره انسولین‌های برندهای دیگر مشکلی در تأمین بازار وجود ندارد و بیماران مبتلا به دیابت می‌توانند با مشورت پزشک خود، تا زمان رفع دسترسی دشوار به برند مصرفی، از داروی مشابه تولید داخل استفاده کنند.

عرصه فرهنگ این سرزمین همواره ستاره‌های درخشان بسیاری داشته است و در زمان‌هایی این ستاره‌های درخشان، به واسطه درخشش خود در عرصه فرهنگ دست در امر سیاست هم برده‌اند و به مدد فهم فرهنگی از ایران، حضور سیاسی‌شان کارآمد بوده است.
امر وزارت بر وزارتخانه، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی امری سخت، چندوجهی و معادله‌ای چندمجهولی است که حل این معادله و چندوجهی‌بودن برای هدایت و پیشبرد آن موضوعی پیچیده است.
فارغ از اینکه چه کسی سکان این وزارتخانه را برعهده می‌گیرد، نکاتی درباره خود این وزارتخانه به نظر می‌رسد که در زیر عرضه می‌داریم، امید آنکه رئیس جمهوری منتخب و عزیز و مشاوران و تأثیرگذاران بر چیدمان دولت به این نکات توجه ویژه داشته باشند.

- وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی یک وزارتخانه استراتژیک و تخصصی است و نشان‌دن زنان و مردان سیاسی بر مسند آن در بزنگاه کنونی امری ناصواب است، این ناصواب؟ طی سال‌هایی که سه حوزه تخصصی در قالب یک معاونت و بعدتر وزارتخانه زلفشان را با هم گره زدند، هیچ‌گاه ساختاری بر این موضوع مرتب نشده است تا یک کل واحدشده، نقاط مشترک و منافع مشترک‌شان تعریف شده و حوزه‌های تخصصی‌شان ضمن تفکیک با هم هم‌افزایی داشته باشند، هم ازاین‌روز و مرد وزیر را می‌طلبید که ضمن دانشستن تخصصی و توان ساختارسازی در مدت‌زمان محدود، پیشبرد اهداف دولت را مدنظر داشته باشد.

- این وزارتخانه استراتژیک است، زیرا پاسخ بسیاری از مسائل ایران را در خود دارد؛ درحالی‌که در حدود ۳۰ سال اخیر توانسته است این نقش استراتژیک را بازی کند، بجزآن آّب، نسبت زیست‌بندیزی و زیست‌ناپذیری سرزمینی، سکونت پایدار همراه با حفظ منابع، درآمدهای پایدار مبتنی بر مزیت‌های زیستی و کرور کرور موضوع دیگر که حاصل تجربه زیسته در این سرزمین است، همه منابعی است که به‌عنوان سرمایه سرزمینی و فرهنگی نزد چنین وزارتخانه‌ای است، اما با وجود چنین منابع و دانش عظیم، در سالیان سال در قامت مانع توسعه دیده شده است، حال پرسش این است که چرا چرخه آفرینش فرهنگی و موتور محرکه توسعه با توجه به داشته‌های عظیم و حتی گاه هنوز استخراج‌نشده در حوزه میراث فرهنگی که می‌تواند مستقیما در مدیریت سرزمین به کمک اکثر مدیریت‌های کلان از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تا امور بین‌الملل و وزارتخانه‌های مختلف بیاید، مورد توجه نبوده است؟ با چه رویکردی می‌توان این نقش استراتژیک را احیا کرد؟ وزیر این وزارتخانه باید قدرت اغنای دیگر وزرا را برای صیانت از منابع فرهنگی/زیستی داشته و برای هر وزارتخانه‌ای در این حوزه نقش خود را تعریف کند.

- بی‌توجهی به نقش استراتژیک و تخصصی باعث شده است که همه ارکان چنین وزارتخانه‌ای با تخصص‌های دیگر اشتباه گرفته شود و نبود آدم متخصص بر مسند آن در همه حوزه‌ها آسیب ببیند، از اولویت‌های کاری این وزارتخانه به‌ویژه در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری، احیای نیروی کارشناسی قوی و جسور است تا بتواند با دانش و استدلال اهمیت استراتژیک کار این وزارتخانه را پیگیری کند، اندک باقی‌مانده کارشناسی این سازمان با به‌روز ننداشده و آنان در قامت مانع پیشرفت و سیاست‌جایی ندارند؛ به‌عنوان مثال همه استانداران باید مشاور اجرایی در حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی داشته باشند که در همسویی وزارتخانه، نگاه کارشناسی را در همه اقدام‌های استانی یگیر بوده و بازوی فکری و اجرایی مدیرکل‌های استان‌ها باشد.

- اکنون برای تبیین مثال‌هایی از وضعیت کنونی این وزارتخانه از سه حوزه مدیریت کلان، وزارتخانه به ذکر مثال‌هایی می‌پردازیم:

• موزه‌ها امروز از ارکان توسعه هستند، بخشی که سال‌هاست حتی دیگر زینت‌المجالس خود وزارتخانه هم نیست و عمده علت آن عدم بازخوانی موضوع موزه‌ها از مصدر نقض معاصر و روایت فردا از طریق موزه‌هاست، موزه‌ها اگر به‌روز شوند، ظرفیت دارند تا:

همبستگی اجتماعی، حس تعلق به سرزمین، فناوری بومی مبتنی بر عدم تعصب، اشتغال مولد وابسته و غیروابسته و… را ایجاد کند.

اما اکنون اکثر موزه‌های ما در بیان موزه‌ای خود دارای کمترین میزان مخاطب هستند، اینجا از مخاطب سخن می‌گوییم، نه مشتری، در دولت‌های نهم و دهم مخاطب



از وزیر آینده میراث فرهنگی چه می‌خواهیم؟

وحدقاسمی

به مشتری تبدیل شد و آمار بازدید با هر شکل و بهانه و در بی‌تأثیرترین حالت ممکن خود به رویکردی تبدیل شد که تا دولت سیزدهم هم ادامه داشته است، اما آیا آمار بازدید و خرید بلیت همه دلیل وجودی موزه هاست؟
در موزه ملی ایران هزاران هزار اثر و نه شیء- وجود دارد که تنها کالبدی‌های بی‌جان به‌جامانده از سال‌های دور نیستند؛ بلکه بسیاری از آنها در شبکه تفسیر سرزمینی، پاسخی به مسئله‌ای هستند که شاید هنوز هم مسئله زیسته این سرزمین باشد اما در نبود چنین خوانشی در و بر موزه، موزه‌های ما امروزه نه مخاطب عام دارند و نه مخاطب خاص؛ و اگر این موضوع بی‌گرفته نشود و رویکرد ما به موزه‌ها تغییر نکند، موزه که از مهم‌ترین نقش‌هایش ایجاد گفت‌وگو میان دیروز و امروز و ایجاد تصویر و زمینه زندگی برای فرداست، ناکارآمدتر می‌شود.

نقش کلیدی موزه‌ها در ساخت روایت و تصویر فردای ایران با ایران فرداست؛ موزه‌ها بیان‌کننده گذشته نیستند، نقش‌شان روایتگری فرداهاست که این‌موضوع اهمیت بسزایی در ایجاد همبستگی سرزمینی و ایجاد سرمایه‌های اجتماعی دارد. اما در همه این سال‌ها به نقش‌های این چنین موزه‌ها توجه نشده است و در وزارتخانه حتی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم هم دارای مدیریت بسیار ضعیفی بوده و برای اهمیت این موضوع کافی است به جایگاه اداره کل موزه‌ها در پیش از انقلاب اسلامی نگاهی بیندازیم.

و موضوع موزه‌ها مثل بسیاری از موضوعات این وزارتخانه فرصتی یگانه است که می‌تواند پیش‌روی دولت جدید باشد.

• مناطق آزاد هرکدام سرشار از ظرفیت در حوزه میراث فرهنگی/هنرهای بومی- با ظرفیت برندسازی جهانی- و گردشگری هستند، اما نگاهی ساده نشان می‌دهد که صرفا گردشگری آن هم به بازاری‌ترین جنس از نوع سرمایه‌داری تازه به دوران رسیده داخلی و به شکل مصرف‌کردن دارد این مناطق آزاد را نابود می‌کند، قسم را مصرف می‌کنیم، بوشهر را، کیش را، انزلی را و…

اما آتیا پرداختن به صنایع خلاق، اقتصاد فرهنگ و هنر با توجه به قوانین مناطق آزاد نمی‌توانست برگ برنده‌ای برای این مناطق باشد؟ تعامل وزارتخانه‌های فرهنگی با این مناطق چگونه بوده است؟

این موضوع یعنی اقتصاد فرهنگ و صنایع خلاق می‌تواند سرفصل تازه‌ای از:

• موضوعات دیگر آثار ثبت جهانی است. ایران با فراوانی بی‌ظنیر آثار ثبت جهانی و اهمیت واقعا جهانی این آثار در صدر توجه در امر ثبت بوده است، اما به دلایل گوناگون همه تلاش‌مان صرفا تا مرحله ثبت است و بعد از ثبت جهانی هر سایات به کرور کرور معضل و مشکل تبدیل شده است، نارضایتی شهرها و جوامع محلی، حقوق معوقه کارگران ساده‌سایت‌ها، نبود حداقلی‌ترین امکانات اطلاع‌رسانی و خدمات، به‌روزنشدن راهنماهای محطی، بلاکلیفی و دریافت نکردن بودجه سالانه و به‌موقع- بودجه هم صرفا حفاظتی است، برای داشتن یک رویداد ساده هیچ بودجه‌ای ندارند- و از همه مهم‌تر حلقه بسته روند ثبت آثار و جریان کارشناسی محدود باعث شده است تا در فرایند این موضوع هم امکان هم‌افزایی وجود نداشته باشد.

اما از این سخن مهم‌تر آن است که در محل آثار ثبت جهانی، جوامع محلی و حتی شهرها زندگی جاری دارند، اما اگر از تأثیر این ثبت جهانی بر زیست جامعه محلی بپرسید، خواهند گفت هیچ، بگذریم- که توانمندسازی و آموزش جامعه محلی هم باید باشد، تا خود این جامعه بتواند کلیم خود را از آب بالا بکشد.

ضمن اینکه ویژگی جهانی باعث شده تا این اثر در زمره آثار میراث بشری باشد، برخی از این آثار علت وجودی‌شان دوام و قوام روایت ایران است و باز برای همین موضوع هم تلاشی نشده است.

• صنایع دستی، مدیریتی در دل وزارت صنایع بود، با شرح وظایفی که بیشتر سوبیه صنعتی و البته اقتصادی را دنبال می‌کرد. در ادغام با مدیریت‌های میراث فرهنگی و گردشگری در لایه‌ها و جنبه‌های عجیبی گیر کرد و حاصل آن نسخه‌های بدرنگ تجاری شد و از مزیت‌هایی که یکی از آنها کافی بود تا برندسازی و توجهی درخور ایران را به هاب منطقه‌ای تبدیل کند، باعث شد تا بازارهای مکاره شکل بگیرد، مزیت‌هایی مانند فرش، سوزن‌دوزی، گل‌بوتن، جوهرکاری- با ساقبه فرهنگی بیش از سه هزار سال- سفالینه و آبیگنه و… - این در حالی بود که در گذشته

نه‌چندان دور در سازمان میراث فرهنگی موضوعی وجود داشته به نام هنرهای سنتی- که نام سنت درباره آنها شاید باید تغییر می‌کرد به بومی -هنرهای بومی یا بوم‌آور- و برای این موضوع در دانشکده میراث فرهنگی متخصص تربیت می‌شد.

حالا نه آن دانشکده وجود دارد، نه متخصصان مرتبط و نه برنامه‌ای برای شناخت مزیت‌هایی‌که با فرمول و سیاست‌گذاری درخور می‌توانند در اشتغال، کارآفرینی به‌روز، فناوری و کرور کرور دیگر از مسائل ایران نقش آفرینی کنند. اگر در مرحله ادغام صنایع دستی با میراث فرهنگی به داشته‌ها سازمان میراث فرهنگی و شبکه ارتباطی این حوزه‌ها توجه درست می‌شد، در هم‌افزایی با برنامه‌های اقتصادی دولت می‌توانست ظرفیتی عظیم را برای ایران رقم بزند.

• موضوع گردشگری از موضوعات دیگری است که با ادغام سازمان جهانگردی برای چنین وزارتخانه‌ای بر جای مانده است و در تمام ادوار گذشته تنها در کلام به رویکرد اختصاصی شبه‌اقتصادی با رویکرد توریست و نگاه صرفا ارزآوری تقلیل پیدا کرده است. امروزه اگر به سراغ کارشناسان همین حوزه‌ها برویم، می‌بینیم که اوضاع کاری آشفته‌ای بر آنان مترتب است، نامنی شغلی، نداشتن دانش کافی در اکثر شهرها، باندی‌بودن اندک روزنه‌ها و… همه و همه از اراضی بی‌توجهی به موضوع گردشگری است؛ به این مسائل باید به تضاربی که میان حوزه گردشگری با میراث فرهنگی ایجاد شده، هم توجه ویژه داشت، برای این منظور ضروری است تا حتی خود گردشگری هم در ساختار این وزارتخانه مورد بازتعریف قرار بگیرد و شبکه ارتباطی آن با میراث فرهنگی و صنایع دستی تعریف شود.

• موضوع دیگر که به نظر می‌رسد نقش نظارتی وزارت میراث است، وزیر میراث علاوه بر فهم سرزمینی که اشاره کردیم، باید قدرتی داشته باشد که در جایگاه حاکمیت، حافظ میراث فرهنگی باشد. در این نگاه میراث فرهنگی، ارث پدری نیست برای استفاده ما، بلکه امانت نسل‌های آینده است در دست ما و وزیر باید توان مقابله با جریانات اقتصادی و… برای تعرض به این امانت را داشته باشد. بافت‌های تاریخی، حریم عرصه‌های ثبتی، میراث طبیعی، محوطه‌های باستانی و… همه و همه این روزها در خطر تعرض هستند.

- از این سخن‌ها فراوان می‌توان گفت، اما جان سخن این است که روایت ایران بر لبه تیغی قرار گرفته که خوانش ما از میراث فرهنگی می‌تواند راه‌گشا باشد. نکته در اینجاست که میراث فرهنگی پاسداشت سنت، فریزکردن گذشته، افتخار صرفا به «بودم بودم»‌ها و «داشتم داشتم»‌ها و توسعه‌نیافتگی نیست.

میراث فرهنگی و بشری امری معاصر است برای روایت امروز و رساندن آن به فردا با همه قوت و ضعف‌هایش اما مبتنی بر تجربه زیسته، کار روایت در زمینه فرهنگ، امکان خوانش فرداست و از ضرورت‌های توسعه درون‌زا، میراث فرهنگی/گردشگری و صنایع دستی یک وزارتخانه صرفا نیست. نگاهی است که بر و در اکثر وزارتخانه‌ها و ارکان اجرایی پایگاه و جایگاه دارد.

میراث فرهنگی زینت‌المجالس ملی و بین‌المللی برای اینکه ما چه بودیم، نیست. تخت جمشید، ارم پم، میدان نقش‌جهان، مساجد جامع کهن، جنگل‌های هیرکانی، نوروز، موسیقی مقامی و دستگاهی ایرانی، خوشنویسی، فرش، گل‌بوتن و… کرور کرور بافت‌های شهری تاریخی شیراز و مشهد و اصفهان و تبریز و… منظرهای فرهنگی روستایی مانند ماسوله و میمند و کندوان و… - اینها منابع سرمایه‌ای ما هستند که تا به حال فقط و فقط مصرف‌شان کرده‌ایم، کدام آدم عاقلی سرمایه‌اش را خام‌خام صرف عیش و عشرت- حاصل‌نشده- امروزه خود می‌کند؟

یک‌دهم این کرور کرورها را هر کجا داشت، امروز برای تعامل و برای کنارش نشستن دست‌وپا می‌شکستند و در فرایند آفرینش و خلاقیت امکان مهیایی برای خوشحال‌زیستن مردمان سرزمینش بود. اگر به اینها به‌عنوان فرصت‌های زندگی امروز نگاه نکنیم، اگر با تغییر خوانش و نگاه به امر معاصر به برنامه‌ای کارآمد تبدیل‌شان نکنیم، شاید آخرین فرصت ما باشد؛ کالبدی‌های تاریخی گل و سنگ و آجر نیستند برای دیدن، بلکه فرصت‌هایی هستند برای زندگی امروز که باید بر این خوانش توش تکیه زد، روایت‌های؛رواداری، تاب‌آوری و زندگی.

- وزیر میراث فرهنگی بر مسندی می‌نشیند که باید این جایگاه را تبیین و تدقیق کند.

نگاه

مسیر پرپیچ‌وخم نوآوری

<div><div>۵۳۹</div><div><div>ادامه‌هاز</div></div></div>	صفحه ۸
--	--------

کارشناسان حوزه نوآوری می‌گویند: «اعتمادی بین صنعت و دانشگاه وجود ندارد و این واب اعتمادی سبب می‌شود نوآوری دانشجویان وارد صنعت کشور نشده و دچار عقب‌ماندگی نوآوری شویم، یکی از اصلی‌ترین راه‌های افزایش نوآوری در صنعت، آشتی پژوهشگران و صنعتگران است.».

خلاقیت ایرانیان از دیدگاه جامعه‌شناسی

دکتر مجید فولادیان، جامعه‌شناس، معتقد است: «ایران در زمینه نوآوری جایگاه خوبی ندارد؛ زیرا اساسا در جوامعی که ساختارهای سنتی، توتالیتر یا تمامیت‌خواه دارند، نوآوری و خلاقیت در آن سیستم کشته خواهد شد. مهم‌ترین ساختارهای ایران نظیر آموزش و پرورش و خانواده به شکل سنتی و توتالیتر اداره می‌شوند و نظم، مفهومی کلیدی در این ساختارهاست؛ بنابراین نباید از این جامعه توقع نوآوری و خلاقیت بالایی داشت.» فولادیان ادامه می‌دهد: «نوآوری با پذیرش نگاه متفاوت و افکارهای متضاد اتفاق می‌افتد. جامعه باید به افراد حس اعتماد برای بیان افکارهای متفاوت را بدهد.

اما متأسفانه در جامعه ایران، هر تفکری با کوچک‌ترین تفاوت، قابل پذیرش نیست و این بزرگ‌ترین عامل عقب‌ماندگی نوآوری در ایران است.»

هرم مارژو و جایگاه ایرانیان

طبق تئوری مشهور مارژو، انسان‌ها پنج سطح نیاز اساسی از نیاز فیزیولوژیک تا خودشکوفایی دارند که نیاز به خودشکوفایی در بالای هرم قرار دارد. بر اساس این تئوری، تا زمانی‌که نیازهای پایین هرم مثل نیاز اقتصادی، زیستی، اجتماعی و… در انسان تأمین نشود، نیاز بالای هرم (خودشکوفایی) فرصت بروز پیدا نخواهد کرد. دکتر فولادیان، جامعه‌شناس، جایگاه ایرانیان را در هرم مارژو این‌گونه توصیف می‌کند: «اگر به جامعه ایران نگاه کنید، مردم طبقه متوسط اکثرا درگیر برطرف‌کردن نیازهای زیستی خودشان هستند؛ بنابراین در چنین جامعه و ساختاری که نیازهای اولیه هنوز برآورده نشده، فرصت رسیدن به نیاز خودشکوفایی و ایده‌های نوآورانه برای عموم مردم وجود نخواهد داشت. نوآوری و خلاقیت در جوامعی بیشتر دیده خواهد شد که به نیازهای اولیه هرم مارژو پاسخ داده باشند.»

تأثیر ساختار اقتصادی بر نوآوری

ساختار اقتصادی ضعیف یکی از عوامل افول و عدم رشد نوآوری در جامعه است. دکتر فولادیان، جامعه‌شناس، توضیح می‌دهد: «برای اینکه جامعه به سمت توسعه و نوآوری برود، نیاز به یک طبقه متوسط قوی از لحاظ اقتصادی داریم. تا زمانی که معلم یک جامعه ذهنش درگیر مسائل اقتصادی باشد، نمی‌تواند برای رشد خلاقیت دانش‌آموزانش گامی بردارد. همچنین پدر و مادری که درگیر مشکلات مالی خانواده هستند، زمان و وقت کافی برای بهبود خلاقیت فرزند خود نخواهند داشت.»

فرزند خلاق باعصابگر؟

مفهوم خلاقیت با طرح راه‌حل و راهکارهای جدید گره خورده است. بااین‌حال، متأسفانه در سیستم خانواده به فرزندی که بخواهد راهی به‌جز راه معمول را برود و مسیر جدیدی را امتحان کند، برچسب عصبانگر می‌زنند. دکتر فولادیان در ارتباط با خانواده و پرورش خلاقیت می‌گوید: «در خانواده ایرانی، فرزند خوب است و توسط والدین تأیید می‌شود که مسیر معمولی همه را برود و حصر گوش‌کن باشد. بنابراین در مهم‌ترین و اولین سیستمی که یک کودک رشد می‌کند، به راحتی خلاقیت و نوآوری سرکوب خواهد شد.»

کنکور؛ فائل نوآوری در سیستم آموزشی

سیستم آموزشی هر کشوری جز مهم‌ترین نهادهای پرورش خلاقیت و نوآوری است. آموزش و پرورش باید بتواند کنش نوآورانه را در دانش‌آموز ایجاد و نهادینه کند. دکتر فولادیان، جامعه‌شناس می‌گوید: «نهاد آموزش و پرورش نه‌تنها عامل نوآوری نیست، بلکه نوآوری را در دانش‌آموزان سرکوب می‌کند. ما به دنبال تربیت دانش‌آموز برای موفقیت در کنکور هستیم و این مسیر خلاقیت و نوآوری را در دانش‌آموز کسور می‌کند.» دکتر فولادیان معتقد است تا زمانی‌که سیستم آموزشی هدفی جز موفقیت در کنکور نداشته باشد، فرصت‌های شکوفایی نوآوری را از دانش‌آموزان و در نتیجه جامعه خواهد گرفت.»